

نمود اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی در مؤلفه‌های سبکی داستان گیله‌مرد

رؤیا دهقانی قلعه سرخ*

چکیده

بزرگ علوی داستان‌سرای زندگی روشن‌فکران و مبارزان سیاسی است و داستان گیله‌مرد او که از مجموعه نامه‌ها انتخاب شده یکی از آثاری است که جنبه سیاسی دارد. در این پژوهش بر آنیم که تأثیر اندیشه‌ی سیاسی - اجتماعی این نویسنده را در مؤلفه‌های سبکی اثرش و این نمود را در سه حوزه‌ی زبانی، محتوایی و ادبی بررسی کنیم و علاوه بر این تلمیحی به یکپارچگی اثر داریم. امید است بتوانیم پژوهشی کارا و قابل توجه ارائه دهیم.

واژگان کلیدی: سبک، بزرگ علوی، گیله‌مرد، اندیشه‌های سیاسی

مقدمه

مجتبی بزرگ علوی از بیست و چندسالگی در دو قطب مخالف گرفتار شده بود که یک طرف آن دکتر ارانی بود که با او در آلمان آشنا شده بود و دکتر ارانی، علوی را به سوی سیاست کشاند و از طرف دیگر صادق هدایت بود که گرایش صرفادبی داشت. در چهره‌ی سیاسی خود علوی عضو گروهی پنجاه‌وسه نفر به این ترتیب شخصیت علوی جوان دارای دو سنت فکری جداگانه بود: سنت نویسندگی و سنت انقلابی‌گری و سرانجام این گروه پنجاه‌وسه نفر به زندان می‌افتند اما علوی با این حال شخصیت دوره‌ی جوانی خود را حفظ می‌کند. داستان گیله‌مرد بزرگ علوی در مجموعه داستان نامه‌های او در سال ۱۳۳۰ و برخی معتقدند در سال ۱۳۲۶ منتشر شده است (عابدینی، ۱۳۶۹، ۱۲۰).

۰۹۱۵۰۴۶۷۰۸۱-royadehghani۲۷@gmail.com

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵



مضمون بیشتر داستان‌های وی از آرمان‌های سیاسی و حزبی او الهام می‌گیرد. خلاصه‌ای از داستان گילה مرد اوراد را اینجا لازم می‌داریم.

(درغرش بادوباران جنگل شمال دو مأمور تفنگک به دست گילה مرد رابه فومن بردند. این سه مرد، خصلت‌های مختلف مستقل دارند. آن‌ها سه مرد هستند با سه نگاه متفاوت به مفهوم زندگی: گילה مرد دهقان شورشی است علیه ارباب و علیه دولت. همه جابه خاطر عدالت جنگیده و درگیر و درگیر یک درگیری و معرکه زنش کشته شده است گילה مرد هم شورشی است و هم داماد رهبر شورشیان (آگل لولمانی) است که اینک دستگیرش کرده‌اند. محمدولی و کیل باشی یک مهره‌ی واقعی حکومت است او اگرچه فقیر است اما از دهقان شورشی و به طور کلی از فقر نفرت دارد به سود اغتیا و ثروتمندان می‌جنگد کفش فرماندهانش رامی لیسد شعارهای رادیو را تکرار می‌کند و دشمن هر چیزی است که نظم را به مخاطره بیندازد. نفر سوم یک سرباز بلوچ است از اقلیمی متفاوت و غریبه با این محیط او نه همدرد گילה مرد است و نه حرص و حرارت و کیل باشی سردمی آورد در رویای او تنها سرزمین مأنوسش زنده است اما بلوچ نه مرد زمین که گاهی تفنگچی خانها و گاهی دزدوراهزن بوده است. شورش دهقانی دارد بازیچه رقابت اربابها و دولت می‌شود زیرا بسیاری از اربابهای سابق زمین را رها کرده، در شهر سیاستمدار شده اند اگرچه این جدال به حد برانداختن یکدیگر نخواهد رسید ولی دوش به چشم دهقانان می‌رود. یک منزل مانده به پاسگاه آنها در قهوه خانه‌ای فرود می‌آیند. برخورد سه انگیزه گوناگون ماجرا را به خط پایانی می‌راند. محمدولی، در غرور و اطمینان به پیروزی نزدیک رازی را همواره با وحشت و کابوس پنهان کرده بود برای گילה مرد فاش می‌کند او همان تیرانداز ناشناسی است که همسر گילה مرد را کشته است از سوی سرباز بلوچ پنهانی تپانچه‌ای را که ضمن تفتیش خانه گילה مرد ر بوده بود به وی پس می‌دهد آیا این کار از روی ترحم است یا همان طور که خود ادعا می‌کند چون در گذشته رعیت بوده و درد گילה مرد را می‌داند نویسنده تسلیم این خوش بینی خلاف واقع نمی‌شود سرباز بلوچ هیچ‌گاه به این درجه از آگاهی نرسیده است گذشته‌ی او چنین نشان نمی‌دهد او فقط می‌داند که گילה مرد پولی همراه دارد که در صورت مجلس دستگیری او به ثبت رسیده و دیگر نمی‌توان به راحتی آن را بالا کشید حالاً مطابق حدس سرباز بلوچ گילה مرد به جبران تپانچه پول را به او می‌دهد گילה مرد با تهدید اسلحه محمدولی



را تسلیم می‌کند حالاً می‌تواند قاتل زنش را به سزای اعمالش برساند اما همه خشم و کینه‌ی او در برابر التماس‌های خاضعانه محمدولی خاموش می‌شود محمدولی نیز مثل خود او بچه دارد شاید گילה مرد به این نتیجه برسد که محمدولی خود نیز قربانی این نظام است این همان خوش‌بینی نویسنده نسبت به طبقات مرحوم ولی آگاه به موقعیت خویش است هنگامی که گילה مرد لباس و کیل باشی را پوشیده و می‌رود که فرارش را آغاز کند با گلوله‌ی مأمور بلوچ که در کمین او نشسته از پادرمی آید مأمور بلوچ می‌اندیشد که آخرین شاهد را از میان برده است بلوچ همچون آن دومرد دیگر برخاسته از طبقات محروم است اما آگاهی اجتماعی ندارد هوش او مارا به یادغریز حیوانی نهفته در انسان می‌اندازد این سه مرد شاید نمودهای گوناگون افراد یک طبقه باشند (بهارلو، ۱۳۷۷، ۸۵)

درون‌مایه اصلی داستان‌های نامه‌ها ادامه‌ی درون‌مایه ورق‌پاره‌های زندان علوی است و گرایش‌های اجتماعی نویسنده در داستان‌ها منعکس است بزرگ‌علوی در طرح‌ریزی داستان‌هایش شیوه‌ای مخصوص به خود دارد در اغلب داستان‌های او ابتدا با یک مجهول روبه‌رو هستیم قهرمان داستان برای کشف این مجهول شبکه‌های درهم‌پیچیده از روابط و حوادث را طی می‌کند و غالباً در آخر داستان و حتی با آخرین جملات داستان آن مجهول یا معما گشوده می‌شود دیگر از مشخصات سبکی علوی شیوه‌ی نثری اوست قصه‌ی علوی را باید تا آخر خواند تا نثری را که به چشم نمی‌آید بلکه مثل جریان‌ی زیرزمینی عبور می‌کند دریافت او شاید در نثر نویسی متجدد ایران نخستین نویسنده است که عامداً خوش‌آهنگی ظاهری جملات را به آهنگ درون آن می‌بازد این آهنگ درونی موسیقی یا ضرب‌آهنگ است که نه از سجع یا طنین حروف و کلمات پدید آمده بلکه عبارت است از موسیقی که بر اثر تکرار و تداعی تصاویر به قدرت و قوت القای معنا می‌افزاید.

در مهم‌ترین داستان‌های مجموعه نامه‌ها گילה‌مرد و خائن، علوی می‌کوشد از پاره‌های پراکنده تجربه‌ها و تأملات و معتقدات خود ترکیب هموار و منسجمی پدید آورد که در عین حال تصویر اصیل و بدیع از واقعیت عینی باشد. با توجه به داستان گילה‌مرد علوی از نظر بینش سیاسی بر این عقیده بود که انسان سازنده‌ی سرنوشت خویش است و نه محصول ساده‌ی اوضاع و احوالی که در آن قرارداد اما آنچه را که اومی دید دقیقاً خلاف نظرش بود او آشکار می‌دید که روندهای عمومی به مراتب



قوی تراز اراده‌ی افراد انسانی است و سرنوشت به‌عنوان یک اصل شخصی وجودی هیچ معنایی ندارد. از آنجا که داستان گילה‌مرد در سال ۱۳۲۶ نوشته شده است و در این سال پس از شکست دمکرات آذربایجان، ژاندارم‌ها برای گرفتن بهره‌ی مالکانه به روستاها هجوم می‌برند پس می‌توان گفت نویسنده در این اثرش که از واقعیت‌های عینی تأثیر می‌پذیرد نوعی فئودالیسم که مالکیت قدرتمندان است رادردهن می‌پروراند و این اندیشه بر اثرش حاکم است. لازم به ذکر است که بزرگ علوی فردی است که به دلیل آنکه وارد عرصه سیاست می‌شود سیاسی می‌اندیشد و سیاسی می‌نویسد.

نمود این اندیشه‌ها در مؤلفه‌های سبکی این داستان که شامل سه بخش زبانی، محتوایی و ادبی است:

حوزه‌ی زبانی

این حوزه که واژگان و عبارات وصفی و اضافی رادبرمی گیرد واژگان و عباراتی که به نحوی مشخص به داستان و شخصیت‌های داستان و مضمون و محتوایی آن برمی‌گردد. واژگانی از قبیل: مأمور، تفنگک، سرنیزه، مرگ، زندان، فرمانده، تهدید، تیر، چپاول، غارت، سرباز، تفتیش، فشنگ، شیون، کشیک، متوحش، تپانچه، گلنگدن، اعدام، هفت تیر، تیراندازی، توقیف، سرگرد، آژیر، مسلسل و... که این واژگان دارای بار سیاسی هستند.

عبارات وصفی از قبیل زوزه‌ی وحشیانه، اتاق تاریک، گوش تیز، مرگ دل‌خراش، فرط درندگی، لابه‌ی مأمور، حرف‌های نیش‌دار، پاهای لخت و... عبارات اضافی از قبیل جیغ مرغابی‌های وحشی، شیون زن، برق سرنیزه، فلز تفنگک، اداره‌ی امنیه، قن‌داق تفنگک، صدای پوتین، دسته‌ی هفت تیر، بیخ گوش، جیغ زن، غرش گاو، پاشنه‌ی تفنگک، لوله‌ی هفت تیر، زخم‌زبان که این عبارات هم نشانگر اندیشه‌ی سیاسی نویسنده و تأثیر این واژگان بر شخصیت یا قهرمان داستان است.

حوزه‌ی محتوایی

این داستان همان گونه که گفته شده بر مبنای بینش سیاسی نویسنده شکل گرفته است یک دهقان یاغی جنگل‌نشین دهاتی، توسط ژاندارم‌هایی که همسرش را کشته‌اند دستگیر می‌شود و در لحظه‌ای که قصد دارد با طمع یکی از ژاندارم‌ها از مهلکه بگریزد با گلوله همان ژاندارم از پا درمی‌آید



روحیه مبارز بودن این مبارز جوان را نباید نادیده گرفت که با همه ی زجرها ورنج هایی که دیده بود باز هم به پیروزی امیدوار بود و تلاش می کرد مبارز بودن این دهقان و به دنبال پیروزی و آزادی خواهی بودن نشانی از سبک و سیاق نویسنده دارد و هم چنین بحث فتودالیسم که مالکیت قدرتمندان است در اینجامطرح است که نویسنده با شواهدی که می آورد بر این باور است که تا زمانی که فتودالیسم هست ژاندارم و مالک و بهره کش است رعیت پیروز نمی شود.

حوزه ی ادبی

در گילה مرد علوی نمونه های زیبا و هنرمندانه ای از فضا سازی و هم چنین توصیفات برجسته ی دیگری که در سبک و سیاق نویسنده دستی توانا داشته اند. جملات توصیفی از قبیل باد چنگ می انداخت و می خواست زمین را از جابکند، از جنگل هاصدای شیون زنی که زجر می کشد می آید، غرش باد آوازهای خاموشی را افسار گسیخته کرده بود، نهرا طغیان کرده و آبها از هر طرف جاری است، این توصیفات طبیعت زمینه ای است برای توصیف چگونگی بردن دهقان توسط ژاندارم هاست که او را با پایهای لخت و بازوی آویزان و تنها پتویی به دورش پیچیده و با سر نیزه ای مراقب او بودند مشت مشت باران راتوی گوش و چشم مأمورین وزندانی می زد باران دست بردار نبود غرش های آب های غلیظ، جیغ مرغابی های وحشی را خفه می کرد، از جنگل گویی شیون زنی که درد می کشد می آید و این توصیف زمانی است که مأمورین با گیله مرد نزدیک قهوه خانه می رسند گویی همه ی این توصیفات می خواهد بگوید با رفتن در قهوه خانه اتفاق بدی خواهد افتاد نویسنده در چند جای داستان از صدای جیغ زنی که در جنگل پیش رو بود یاد می کند و می خواهد ظلم ظالمانه ی عصرش را بیان کند و کشته شدن زن گیله مرد به تیر ژاندارم ها بر آتش کینه ی او می دمد و در مبارزه با رژیم حافظ منافع زمین داران سرسخت ترش می کند رشته های باران آسمان تیره را به زمین گل آلود می دوخت که تیرگی آسمان توصیف سایه ی سیاه استبداد در جامعه است و گل آلود بودن زمین اشاره ای به نابه سامانی و فساد های اجتماعی است. باران می بارید اما افق داشت روشن می شد ابرهای تیره کم کم باز می شدند نمونه ی دیگری از فضا سازی برای بیان هم حسی میان انسان و طبیعت همین که احتمال گشایش در کار گیله مرد پیدامی شود به افق روشن می شود و ابرهای تیره کم کم باز می شود مأمور دوم هیچ حرف نمی زد فقط سایه ی او در زمینه ی



ابره‌های خاکستری که در افق دائماً در حرکت بود علامت و نشان گر این بود که راه آزادی و زندگی به روی پيله مرد بسته است این عبارت فضا سازی برای پیشگیری و زمینه سازی برای صحنه‌های پایانی داستان است. و به طور کلی مقام توصیفات به ویژه آشفته‌گی طبیعت نشان دهنده‌ی تلاطم روحی شخصیت‌ها و اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی آن عصر است نویسنده در جای داستان از توصیف طبیعت برای فضا سازی و پیش برد داستان استفاده می‌کند. و همچنین علاوه به راین توصیفات ادبی نویسنده از انواع ادبی مختلفی از قبیل: تشبیه، استعاره، تشخیص، اغراق، تکرار، تناقض و کنایه و... استفاده کرده است.

نتیجه گیری

بزرگ علوی سیاسی مرد بزرگ و نویسنده‌ی مبارز با بینش سیاسی که داشت برداشتی که از دوران زندگی خود کرده بود و جامعه و اجتماع پریشانی که شاهد آن بوده آثاری را ترتیب داده است که یکی از این آثار داستان گيله مرد او است و تمام توصیفات و واژگان و عباراتی را که به کار برده بود به گونه‌ای به این بینش سیاسی - اجتماعی نویسنده نسبت به جامعه‌ی روزگاراوبرمی گردد و تأثیری که این سیاسی بودن بر اثرش گذاشته است به گونه‌ای قابل توجه آشکار است و نویسنده سعی کرده است در این داستان مالکیت قدرتمندان و مبارزه‌ی مبارزان سیاسی را که با جان و دل می‌جنگند را با جملات و توصیفات ادبی و فضا سازی‌های مختلف خود بیان کند تا شاید بتواند اندکی از محرومیت رعیت و ظلمی که در حق مردم جامعه‌اش می‌شود را به خواننده بنمایاند و این هنرنامه‌ی نویسنده در سبک و شیوه‌ی نگارش او قابل توجه است.

منابع و مآخذ

- ارزنده نیا، محمد، (۱۳۸۶) ادبیات داستانی حوزه‌ی ایران، ج اول، تهران
- بهارلو، محمد، (۱۳۷۷) گزیده آثار بزرگ علوی، اول، نشر علم، تهران
- رحیمیان، هرمز، (۱۳۷۹) ادبیات معاصر نشر، نشر سمت، تهران
- سیانلو، محمد علی (۱۳۸۱) باز آفرینی واقعیت، نهم، نشانگاه، تهران
- عابدینی، حسن (۱۳۶۹) صدسال داستان نویسی در ایران، ج اول، نشر پگاه، تهران
- میر صادقی، جمال (۱۳۶۶) ادبیات داستانی، نشر شفا، تهران